

محل اداره طهران خیابان لاله زار
نمبره ۲۸۷
عنوان مکتوبی طهران استقلال
مدیر مسؤل - دکتر حسین خان کجالی
نخواهد شد کاتب بی مسأله و غیره
مکتوب وارد بصاحبانشان مسترد نمیشود

Rédaction du journal "Esteghlal Iran"

استقلال

(قیمت اشتراک)

یکماه	ششماه	سه ماهه
طهران ۵۰ قران	۲۶ قران	۱۴ قران
ولایات داخله ۵۵ قران	۳۰ قران	۱۶ قران
مسائل خارجیه ۷۵ قران	۴۰ قران	۲۲ قران

نکته: نمره - طهران (۴۰) سایر ولایات داخله (۵۰) سایر
همه روزه غیر از ایام تعطیل عمومی طبع و نشر خواهد شد
قیمت اعلانات - در صفحه اول سطر بیست و یکم و صفحه آخره شاهی

این روزنامه طرفدار سعادت و استقلال ایران است

وزرای سابق ایران را تکرار نکنند
اوضاع ایران بسهل انگاری باین روز
سیاه افتاده
امروز ما منتظر داریم چه بینیم وزرای
ایران با چه فعالیت آزادی پرستانه
خراب کاری های سابقه را مرتت خواهند
کرد
وزرای هر ملک همیشه با اعمال خود
از خود دفاع می کنند
مادام که رفتار وزیری غیر قابل اعتراض
نباشد هیچ قوه نمی تواند قهارانه اعتراضات
حقه را منع نماید
زیرا این قسم زور آزمائی ها همیشه
خود اعتراضات تازه تولید می کند
ساقبت (دیر یازود) بقدری اعتراضات
وارده زیاد خواهد شد که هر قوه هم باشد
از مقاومت با آن همه اعتراض اظهار عاجز
خواهد گرد
این است که ما در خانمه آن انتظارهای
اسلی می گوئیم
امید داریم وزرای ما تصدیق نمایند
که در یک محاسبت آزاد تنها رفتار آزادی
پرستانه وزرا می تواند اظهارا نگاهدارد
و کرانه هیچ قسم دسیسه کاری و زور
آزمائی - با طرف داری هر قدر روزگاره
هوا خواه هم که باشد فقط از عهده یک
دفاع شایسته هم بر نخواهد آمد

فویستده مراسلات با کابینه ایرانی
از پروکسل بیکی از وزرای ایران
مینویسد
اقای وزیر کافند شمارا خوانندم از
خیالات امروزه شما بعد از این خوب می توانم
اظهار اطلاع بکنم
که چه امر وزیر یک حکومت رسوائی
شمارا بوزارت خود شناخته
فرمان فرمای باغ شاه هم البته شمارا وزیر
خطاب میکنند
ولی من بقدری از قدر و اقتدار شما
دورم که از آن یک مشت مردم رذالت برستی
که اطراف ابدال شمارا گرفته اند سهل است
از آن دست های خارجی شما هم هیچ
نرس ندرام
پس اگر اطمینان دارید که بالا ترین
تغیر شما هم بمن کمترین صدمه نمی تواند
برساند هیچ حال طبیعی خود را از دست ندهید
بدون اینکه خشم دراک شمارا بکلی مختل کند
خوب در این نوشته من دقت کنید شما باید
بفهمید که میخواهم چه بگویم
مینویسید (این یک خیال خالی بود
که ایرانی دچار شد - قدری با تأفی باید
حرکت کرد - باذرات ما یک مرتبه شکل
تازه نمیتوان داد اقتدر شتاب زدگی داشتند
که اساس را منهدم کردند)
اقای وزیر تمیداتم هیچ از فوشتن یک
همچو عبارتی انهم برای من قوه افعال شما شمارا
منع کردیاید

اعلان
عمارت دوم مرتبه عالی جدید المبتدا فرنگی ساز داوی اطرافهای بزرگ و ایوانهای
وسیع و مایلعلی بها باغچه مشجر مرغوب و هوای منرح و دو ساعت آب ملکی
هندکی وقع در سر قنات پلین دیزج اشوب شمیران کباب جان قنات دائم از جلوی
انفذه جاری و در شکه روست بقیمت عادلانه فروخته می شود وهم در این موقع
بیلاق بوجه مناسبی اجاره داده می شود
و نیز خانه دیگر دوشهر در محله شاه ابد شامل اندرونی و بیرونی بمساحت
تصدد ذرع هم بنوش وهم بآجره داده میشود هر کسی طالب اینخانه بشود بچاهی
میرزا رضا خان نمائنده آذربایجان درهان محل در کوجه آقا سید هاشم روضه
خون نمره ۶ رجوع نماید

قسمتی از خانههای اجلا الساطه که در خیابان چراغ برق واقع و متمول بر
باغ و عمارت بزرگی و اندرونی بزرگ و حمام و مطبخ است بواسطه مسافرت ایشان
جبهه سرکشی علاقجات خود باصفهان خالی مانده و اجاره داده میشود هر کسی
طالب باشد چهار راه حسن آباد کوجه همت آباد منزل ظهیر هایدون رجوع نماید
۱-۵

دکتر استیلا نیک ناس دندان ساز اعلیحضرت هیونی که دو امریکا تحصیل
کرده و صاحب دیپلم است همه روزه غیر از یکشنبه ها صبح از چهار ساعت بظهر
ماده بی ظهر و از سه ساعت بوقت از ظهر الی یک ساعت بفرود مانده برای
معاینه هر کوفه امراض دندان و ساختن دندان با سلوب جدید پیری پذیرائی
مرضای محترم حاضر است
(محکمه داد اول خیابان لاله زار)
۱-۲

میگفتند
اما حرفی امروزه شما با آنکه
مطابق با همان جواب است بقدری بیعتی
است که باید بوقلمان خندید
چرا اینک
پس اینک
آن وزیری که اصلاحات را میگفت
یک مرتبه آلمان پذیرفتیم با شخصیتی
اینطور نجوابها میداد که با اصول نگفته
آن روزی از آن پولیده بدینت اصلاحات
اداری تازه میخواهند
گفت که بگوید با اصول ملک داری
قدم ما فرو غالت اداری امروزه اروپا
را امکان داشت قبول کرد
اگر اصول حکومت های کنونی
دنیای تمدن را آن وقت هم مردم ما
مبنای حکومت ایران قرار داده بودند
هر وزیری برای ایجاد در قرو عات انطور
دلایل حاضر می کرد تا بایستی فوراً
بایشان گفت
شما باین همه رذالت آمائی و است است
که نمیتوانید زیر بار قبول اصلاح بروید
ولی مردم ایران هم در هیچ ممکن
بقدری اطاعت و عبودیت شمارا بقید قبول
نگردند
اما در صورتیکه از کار گذاران ساطت
مطابق اصلاحات مخالف با حکومت خود
سزانه نخواهند غیر از این چه میبایستی
جواب میشوند

اعلان
در خیابان چراغ برق مقابل کوجه ناظم الاطبا همه شب کلاس اکبر از برای
دروس ذیل در است (مدرسه موسوم بوسله ترقی)
ریاضیات طبیعات اخلاق تاریخ عمومی - الهی - انکسبی و فرانسه دفتر
داری جدید بطرز امریکا و غیره
همه روزه برای تحصیل ابتدا فی - فارسی و عربی و سایر دروس ابتدائیه
کلاس درس مرتب است

اعلان
قانون اساسی با قانون وظایف
بشکل که جناب مستطاب آقای صدر
القهار محض سعادت رجوع بطبع
رسانیده اند در حجره آقا مرزا
احمد صحافی جنب بچه کتب
فروش ها و در بازار حلبی سازها
فروخته میشود

اعلان
کلیات برنس ملک خان که مستقی از تبریز و توفیق حالت محض نشر مطالب آن
تخمینی در قیمت اولیه اش داده شده - جلای یک تومان بفرش میرسد
هر کس در جلد مجرمه از قرار جلدی بقران داده خواهد شد
محل فروش کفایتخانه های معتبره طهران و ادار استقلال ایران است

(کلاس های شبانه مدرسه نصابیه)
مدرسه نصابیه واقعه در محله عرب ها محض ترویج و تعمیم معارف
در کلاس های شبانه خود دروس ذیل را تدریس می نماید
شب یکشنبه - زنگ اول ریاضی الی یک ساعت و نیم از شب گذشته
زنگ دوم - دفتر داری الی دو نیم از شب گذشته
شب دو شنبه - زنگ اول دره طاق فرانسه و انگلیسی تدریس میشود
سوی شب های شنبه در کلابه لیالی هفته بهمین ترتیب کلاسی
های نصابیه دائر است

۷-۸ (حاج شیخ حسن)
تاریخ بوفان مصور با پنج نقشه نایف سنلیوس که کتاب کلاسی
مدارس فرانسه و مدارس سیاسی ایران هست بقرسط جناب
مرزا سید علی خان معلم مدرسه سیاسی ترجمه شده و در نیمچه حاج ابوالحجره
آقا محمدناجر کتاب فروش نمره ۴ بفرش میرسد

تازه را یک مرتبه نمیشود در ایران جر
کرد
چرا
برای اینکه بزرگان و وزرای جهان
دیده سابق ما هم همیشه همین عقیده را
مستحسن میدانستند
باین قبیل اشخاصیکه با وزرای قدیم
ایران در این رای موافق دارند باید گفت
شما کهنه پسند ها بیک اشتیاق
بزرگی گرفته اند شده اید
کریه قدری در نظر اول این حرف
غریب می آید ولی
وزری ایران قدیم که در جواب بجدد
طلب ها انطور بیانات می کردند راست

اعلان
در خیابان چراغ برق مقابل کوجه ناظم الاطبا همه شب کلاس اکبر از برای
دروس ذیل در است (مدرسه موسوم بوسله ترقی)
ریاضیات طبیعات اخلاق تاریخ عمومی - الهی - انکسبی و فرانسه دفتر
داری جدید بطرز امریکا و غیره
همه روزه برای تحصیل ابتدا فی - فارسی و عربی و سایر دروس ابتدائیه
کلاس درس مرتب است

اعلان
قانون اساسی با قانون وظایف
بشکل که جناب مستطاب آقای صدر
القهار محض سعادت رجوع بطبع
رسانیده اند در حجره آقا مرزا
احمد صحافی جنب بچه کتب
فروش ها و در بازار حلبی سازها
فروخته میشود

اعلان
کلیات برنس ملک خان که مستقی از تبریز و توفیق حالت محض نشر مطالب آن
تخمینی در قیمت اولیه اش داده شده - جلای یک تومان بفرش میرسد
هر کس در جلد مجرمه از قرار جلدی بقران داده خواهد شد
محل فروش کفایتخانه های معتبره طهران و ادار استقلال ایران است

(کلاس های شبانه مدرسه نصابیه)
مدرسه نصابیه واقعه در محله عرب ها محض ترویج و تعمیم معارف
در کلاس های شبانه خود دروس ذیل را تدریس می نماید
شب یکشنبه - زنگ اول ریاضی الی یک ساعت و نیم از شب گذشته
زنگ دوم - دفتر داری الی دو نیم از شب گذشته
شب دو شنبه - زنگ اول دره طاق فرانسه و انگلیسی تدریس میشود
سوی شب های شنبه در کلابه لیالی هفته بهمین ترتیب کلاسی
های نصابیه دائر است

۷-۸ (حاج شیخ حسن)
تاریخ بوفان مصور با پنج نقشه نایف سنلیوس که کتاب کلاسی
مدارس فرانسه و مدارس سیاسی ایران هست بقرسط جناب
مرزا سید علی خان معلم مدرسه سیاسی ترجمه شده و در نیمچه حاج ابوالحجره
آقا محمدناجر کتاب فروش نمره ۴ بفرش میرسد

تازه را یک مرتبه نمیشود در ایران جر
کرد
چرا
برای اینکه بزرگان و وزرای جهان
دیده سابق ما هم همیشه همین عقیده را
مستحسن میدانستند
باین قبیل اشخاصیکه با وزرای قدیم
ایران در این رای موافق دارند باید گفت
شما کهنه پسند ها بیک اشتیاق
بزرگی گرفته اند شده اید
کریه قدری در نظر اول این حرف
غریب می آید ولی
وزری ایران قدیم که در جواب بجدد
طلب ها انطور بیانات می کردند راست

افسوس که بقوه انفعال شما هیچ اطمینانی ندارم
اگر يك نفر از همان مردمی که شما خود را شاگرد مکتب آنان میدانید از شما پرسد

بگمایل ذلیل ادارات ایران را موافقان اصول اساسی که برای حکومت ایران تعیین شده بی نعل تمییزان سرب کرد ؟

شما چه جواب خواهید داد ؟
اگر فضایل علی هم زیاد نباشد ولی از گمجا در ایران هیچ درست کار ایران دوست پیدا نمی شود ؟ ؟ ؟

شما از گمجا بطور احساس کرده اید که ایران زیر بار قلم نخواهد رفت ؟؟؟

من هیچ صدیقی ندارم که شتاب زدگی اساس آزادی ایران را منهدم کرد

واست است ایرانی بخوبی حقیقت آزادی را درک نکرده ولی میدانید که عقیده يك دسته از قلابه بزرگ میگوید - (انسان در تحت حکومت آزاد

معنی آزادی را خوب می فهمد - چو آزادی برای انسان بهترین عمل آزادی است) شما و امثال شما بآزادی ایران خیانت کردید - افسوس که هنوز ایرانی خیانتکاری شما را نمی دانند

آقای وزیر واضح است که فرمانبراری باغ شاه بفکر شما اطمینان داشت که شما را بوزارت خود انتخاب کرد - افکار شما پشما بطور میگوید

ولی اطمینان داشته باشید که ایرانی در طریق اصلاح دست داخل نشد که تا کنونی یا شتاب زده کی کارش را این قسم کرده باشد

ولی شما بودید که با ایران و ایرانی يك هم چه خیانت بزرگی کردید که عنو شدنی نخواهد بود

امروز شما ایران با افتخار را بوجود امثال خود تعیین کرده اید - راست است

اما اگر روزگار وزارت رسوای شما پشنامه رسید آن وقت پشما میگویم هوا خواهان آزادی و متحد ایران چه قسم زود با ادارات ایرانی شکل نازده خواهند داد

پیش از این نمی خواهم پشما چیزی بنویسم ولی همیشه بخاطر داشته باشید که این قبیل حرفها را تنها برای مقیمین باغ شاه باید نگاهدارید

طرف دار نجدد (ع . ل)

دارالشورای ملی

جلسه خلاصه مذاکرات پنجمین هفتم انعقاد مستشار الدوله

دو ساعت بفریب مانده مجلس با باز نموده صورت جلسه قبل قرائت گردید پنجهزارهنگ

آقا شیخ اسما عیال هشترو دی اظهار کرد خواهش می کنم تفکری که سردار ملی خریده بود جزو دستور شود رئیس جواب داد جزو دستور جلسه انبه می شود

شکات از کلا رئیس شرحی بیان کردند از دیر آمدن وکلای و عنوان نمودند که وقت مجلس سه بفریب تعیین می شود آقایان يك بفریب حاضر می شوند کمیسیون ها دعوت است این ترتیب کار پیشرفت نمیکند ادب انجبار شرحی اظهار کرد مینی پر اینکه هر کسی نمیتواند بوظیفه وکالت و فشار

کنند و در موقع کار حاضر شود خوب است استعفاء دهد

مخارج کارخانه کشتی سازی در بیست هزار فرانک که جهت وارده کردن يك کارخانه کشتی سازی پیشنهاد شد و سابقاً مذاکرات لازمه در آن بعمل آمده بود رای گرفته و تصویب گردید

طلب حاج عدل السلطه میاغ سی و چهار هزار تومان طلب حاج عدل السلطه مطرح شد پس از مذاکرات در آن رای گرفته و تصویب و نه رد گردید

مقرری و رتبه شهداء راپورت کمیسیون قرائت شد مینی بر اینکه کمیسیون در حق و رتبه شهداء ذیل از این قرار تصویب می کنند داده شود

ورته حاجی سید آقا ۶۰ تومان ورته اقامیرزا غلام حسین ۱۲۰ تومان دیر مایون ۵۶ ت ایوالحسن خان ۲۴۰ ت علی اگر خان ۱۲۰ ت مشهد تقی ۱۰۰ ت مشهدی حمزه ۸۴ ت اسمعیل خان ۱۲۰ ت جمع ۹۰۰ ت

گفته شد شهداء منحصر باین عده نیست خوب است تمام شهداء معلوم شود و در باره همه برقرار شود مخبر کمیسیون جواب این صورت نا محال حاضر شده هر چه هم پیدا معلوم شد میجسلس می آید

آقا شیخ اسما عیال هشترو دی اظهار کردند موافق صورت نیکه انجمن آذربایجان فرستاده شهدای شهر تبریز با تصدق قرار است

باید این راپورت بر سر کردد پاکمیسیون شهدای آزادی در تمام نقاط تعیین شود و يك قرار کلی درباره آنها داده شود بالاخره پس از مذاکرات زیاد در برقرار نمودن وجهه فوق درباره ورته منصله رای گرفته و تصویب کردند

کنتراست میسورمال رئیس چند روز قبل وزیر مایه تجدید کنتراست میسورمال را پیش نهاد کرده بودند بکمیسیون خارجه رجوع شد کمیسیون نظریات خود را نمود تجدید کنتراست را از قرار مواد ذیل تصویب میکنند و نیز هزار فرانک اضافه مواجب را که بملاحظه خدمات

مشارالیه وزارت مایه تصویب می نماید مواد کنتراست تقریباً از این قرار است ۱ - دوات علیه ایران میسورمال را میتوان مدیری کمرب برای چهار سال اجیر میکنند

۲ - سالی پنجاه هزار فرانک مواجب با داده میشود هر سه ماه بطور مساعد ۳ - فسخ کنتراست قبل از تمام مدت هرگاه از طرف دوات بشود و موجب یکساله او را خواهند داد

۴ - اگر بواسطه مرضی میسورمال مجبور باستعفاء شود دوات ششماه بطور اتمام بلامید هد

۵ - پمداز اتمام مدت هرگاه تجدید کنتراست نشود دوات دوهزار فرانک خرج راه باو خواهد داد

۶ - سالی چهار روز مرضی است بدون کسر مواجب مدت مرضی ۷ - حفظ میسورمال بدولت است ۸ - اگر اختلافی پیدا شود بکمیسیون دواتر يك نفر از طرف دوات ایران و يك نفر از طرف دوات پارتیک تمام می شود

پس از قرائت مواد کنتراست وزیر جنگ شرحی بیان کردند که من برای این آدم که بخواهم از کلا عبادات مساعدت کنتمو این کنتراست را تصویب نمایند

اسدالله خان شرحی از تاریخ کمرب بیان کردند و اظهار نمودند که دوات ایران بچپور قیبت که حماً میسورمال را استخرج نماید و آن است از نه نفر مدرس بیکه در یازده هفت یا کمتر استخدام نمایند و بعضی نکات و دقائق در محسبات کنتراست باید کفر بیان کردند و نیز افزودن سالی ده هزار فرانک را تصویب نمودند دند بعضی از و کلا جواب اظهارات ایشان را دادند و ولی اسدالله خان قانع نشدند بان جوابها در دو کمیسیون رئیس میخواست است رای بگیرد اسدالله خان راضی نبود برای گرفتن و اجازه تعلق خواستند رئیس اجازه قداد اسدالله خان حرمانی پیدا کرده گفتند اگر این قسم است من استعفاء میدهم رئیس جواب داد شما نظریات خود را بیان کردید حال موقع رای گرفتن است استعفاء میدید طوری نمیشود

بلاخره در تجدید کنتراست رای گرفته و اساساً تصویب شد پس از آن قدری مذاکره در جزئیات بعمل آمد بعضی عقیده نشان این بود که باید مواد کنتراست قرائت شده رای گرفته شود بعضی میخواستند فقط افزودن ده هزار فرانک باید رای گرفته شود بالاخره رای گرفته شد برای اینکه در مواد مباحثه شود رد گردید و اضافه ده هزار فرانک اضافه مواجب با کثرت تصویب شد

در این موقع وزیر جنگ و مایه از مجلس رفتند دستور جلسه انبه

از این قرار تعیین گردید راپورت کمیسیون بود چه راجع بچاه جات ایسا راجع بچاه مورین خارجه ایسا راجع میسورمال و تقاضای وزارت جنگ در خریداری اسلحه پنجهزارهنگ که سردار ملی خریدار بودند

خریداری بعضی ماشین آلات که وزارت جنگ درخواست نموده است جریمه دیر حاضر شدن رئیس اعلان وقت انعقاد مجلس سه ساعت بفریب است و در این ساعت مجلس باز می شود هر کسی حاضر نباشد در آن وقت غائب نوشته می شود

یک ساعت و نیم از شب گذشته مجلس ختم گردید

جریمه دیر حاضر شدن رئیس اعلان وقت انعقاد مجلس سه ساعت بفریب است و در این ساعت مجلس باز می شود هر کسی حاضر نباشد در آن وقت غائب نوشته می شود

یک ساعت و نیم از شب گذشته مجلس ختم گردید

جریمه دیر حاضر شدن رئیس اعلان وقت انعقاد مجلس سه ساعت بفریب است و در این ساعت مجلس باز می شود هر کسی حاضر نباشد در آن وقت غائب نوشته می شود

یک ساعت و نیم از شب گذشته مجلس ختم گردید

جریمه دیر حاضر شدن رئیس اعلان وقت انعقاد مجلس سه ساعت بفریب است و در این ساعت مجلس باز می شود هر کسی حاضر نباشد در آن وقت غائب نوشته می شود

یک ساعت و نیم از شب گذشته مجلس ختم گردید

جریمه دیر حاضر شدن رئیس اعلان وقت انعقاد مجلس سه ساعت بفریب است و در این ساعت مجلس باز می شود هر کسی حاضر نباشد در آن وقت غائب نوشته می شود

یک ساعت و نیم از شب گذشته مجلس ختم گردید

جریمه دیر حاضر شدن رئیس اعلان وقت انعقاد مجلس سه ساعت بفریب است و در این ساعت مجلس باز می شود هر کسی حاضر نباشد در آن وقت غائب نوشته می شود

یک ساعت و نیم از شب گذشته مجلس ختم گردید

جریمه دیر حاضر شدن رئیس اعلان وقت انعقاد مجلس سه ساعت بفریب است و در این ساعت مجلس باز می شود هر کسی حاضر نباشد در آن وقت غائب نوشته می شود

در این وقت نظر به نوتسجات علماء اعلام و دبه فقه سرفقه معنکه حاجی سید حبیب مزبور را محکوم به شش شش ماه روز حبس و نادیه یکصد و یازده مثال طلا در دبه اقتضای محمد علی منجیر لوعظاین می نماید و کراعاتری برسد در این حکم دارد ذی حق است و مدت ایام مهلت و مواد حکم غیابی در محکمه حاضر شده اعتراضات خود را اظهار نماید

محسن همراه اسدالله

ویایع شری

(سرفقه) چهار نفر زن غربال بند که در کوچه ها گردش میکردند بمنزل عید الله نام رفته بعضی اسباب از قبیل سماور و وسیق پرنجی و غیره سرفقه کرده اند پالیس دو نفر آنها را دستگیر دو نفر دیگر فراری می کنند آن دو نفر را بکامبرسی عود لاجان آورده اسباب یساحبش مسترد و خود آنها جاب بارداره تعلیمه شدند

دیوانه دزدی می کنند ایول نام معروف بایول دیوانه که کرارا بچرم سرفقه گرفتار شده و در دفته اخیره در دائره انکشاف ملتمس شده که مرزبک دزدی نشود شب گذشته يك نیکه حواله کرده تقریباً يك روجی داشته بلکن مس سرفقه کرده دستگیری می شود از کمیسیری محله بازار بداره تعلیمه آورده توفیق شد

(مال امانت را فروخته است) خسرو سیاه که سابقاً هم دزدی کرده و گرفتار شده بود يك عدد کلاه و يك توب قبا پرسم امانت از کسی گرفته و پرده فروخته است او را دستگیر و بداره تعلیمه فرستاده بودند توفیق شد

(زراع) کمیسر سنگج با صاحب منصب ژندارم وعده کتبی ساعت هشت از چهار راه مرحوم آقا شیخ هادی می گذشند پالیس حیر میدهد که در باغ یوسف خان فزاعی است آنها ی طرف باغ میروند در باغ پنج نفر را می بینند که دو نفر آنها از سوار آمیبه و سر و صورتشان مجروح بوده سه نفر دیگر هم متفرقه بوده اند هر پنج نفر با داره تعلیمه جاب شده دو نفر دو مطب زخشان را شسته و آن سه نفر توفیق شدند تا استطاق کامل بعمل آید

(بیچارگی یادوی) از کمیسیری بازار بانفون راپورت دادند که کربلانی حسین قول در سرفه باقا باطبا فچه پدهان خود زده و کلاه در کاپوش مانده نموده است و مردتی هم قیبت چون با تلفن صورت استطاق و تقریر مشار الیه درست مفهوم نمیشد قضایه از کمیسیری راپورت مفصالی خواسته که سیب و تفصیل کار را معلوم دارند

شتر هم تقصیر کار شد دیروز چهار بفریب مانده در بازار چه زعفران باجی شتری میگذشته لنگه بکرم قام شاکرد قهومی زد زمین خورد و بیهوش میشود پالیس محل فور آرسید او را پشنامه میبرد از قرار معلوم پسر سینه کریم از ضرب لنگه صدمه رسیده شتر توفیق شد که صاحبش از عهده مخارج معالجه بر آید

شتر هم تقصیر کار شد دیروز چهار بفریب مانده در بازار چه زعفران باجی شتری میگذشته لنگه بکرم قام شاکرد قهومی زد زمین خورد و بیهوش میشود پالیس محل فور آرسید او را پشنامه میبرد از قرار معلوم پسر سینه کریم از ضرب لنگه صدمه رسیده شتر توفیق شد که صاحبش از عهده مخارج معالجه بر آید

شتر هم تقصیر کار شد دیروز چهار بفریب مانده در بازار چه زعفران باجی شتری میگذشته لنگه بکرم قام شاکرد قهومی زد زمین خورد و بیهوش میشود پالیس محل فور آرسید او را پشنامه میبرد از قرار معلوم پسر سینه کریم از ضرب لنگه صدمه رسیده شتر توفیق شد که صاحبش از عهده مخارج معالجه بر آید

شتر هم تقصیر کار شد دیروز چهار بفریب مانده در بازار چه زعفران باجی شتری میگذشته لنگه بکرم قام شاکرد قهومی زد زمین خورد و بیهوش میشود پالیس محل فور آرسید او را پشنامه میبرد از قرار معلوم پسر سینه کریم از ضرب لنگه صدمه رسیده شتر توفیق شد که صاحبش از عهده مخارج معالجه بر آید

شتر هم تقصیر کار شد دیروز چهار بفریب مانده در بازار چه زعفران باجی شتری میگذشته لنگه بکرم قام شاکرد قهومی زد زمین خورد و بیهوش میشود پالیس محل فور آرسید او را پشنامه میبرد از قرار معلوم پسر سینه کریم از ضرب لنگه صدمه رسیده شتر توفیق شد که صاحبش از عهده مخارج معالجه بر آید

شتر هم تقصیر کار شد دیروز چهار بفریب مانده در بازار چه زعفران باجی شتری میگذشته لنگه بکرم قام شاکرد قهومی زد زمین خورد و بیهوش میشود پالیس محل فور آرسید او را پشنامه میبرد از قرار معلوم پسر سینه کریم از ضرب لنگه صدمه رسیده شتر توفیق شد که صاحبش از عهده مخارج معالجه بر آید

شتر هم تقصیر کار شد دیروز چهار بفریب مانده در بازار چه زعفران باجی شتری میگذشته لنگه بکرم قام شاکرد قهومی زد زمین خورد و بیهوش میشود پالیس محل فور آرسید او را پشنامه میبرد از قرار معلوم پسر سینه کریم از ضرب لنگه صدمه رسیده شتر توفیق شد که صاحبش از عهده مخارج معالجه بر آید

شتر هم تقصیر کار شد دیروز چهار بفریب مانده در بازار چه زعفران باجی شتری میگذشته لنگه بکرم قام شاکرد قهومی زد زمین خورد و بیهوش میشود پالیس محل فور آرسید او را پشنامه میبرد از قرار معلوم پسر سینه کریم از ضرب لنگه صدمه رسیده شتر توفیق شد که صاحبش از عهده مخارج معالجه بر آید

صاحب منصب روسی بخانه فقه الاسلام رفقه کم شده را میخواهد - مردم از این مسئله در هیجان - اغتشاش زیاد ممکن - مسلم اینها اسباب جینی است که هیجان و اغتشاش بیآورند

(استدلال) ما قبی دانیم وزرای ما در این حال چه می کنند ؟؟؟

البته وزارت امور خارجه که با اندازه شروع بقدمات کرده باین مسئله نظر توجیحی خواهد داشت پنجم جادی الثانی

خبر نکار ما می نویسد عصر نوزدهم جادی لاولی علیخان امیر نومان و زرد منجیل شد شب مامه صبح حرکت کرد رفت قطارم و صبح (۲۱) وارد زرد شد شب را در آنجا مانده صبح امیر نومان فرستاد پیرکز و اطراف سوار فراهم نماید هفده سوار از سرگز آمد

فی خان بادو سوار امیر اصلا نومان با سه سوار برای غروب بزرند آمدند سه شب در زرد مانده دوسوار هم از منجیل رسید روز بیست پنجم امیر نومان با تمام همراهان خودش سی سوار رحیم خان و با همراهان خودش چهارده سوار حرکت کردند

پیرکز که شب در سرگز پمانند از آنجا حرکت پطرف زقجان کرده پیش حکومت بروند دو میدان مانده بود پیرکز پرسند که از بالای کوه چهار پنج تنک جلو سوار انداختند امیر نومان از اهل سرگز که همراه بودند پرسید که این صدای تنک از که بود اینها جواب دادند که با با خان برادر احمدخان میر شکار بلچند نفر سوار از اشرا سرکز است بالای کوه هشتاد خیانتشان

این است که شما داخل سرگز نشوید امیر نومان بر پشت عقب طرف کوه رفت از پفل کوه زبر سنک دو سنکر گرفته پفاصله صد قدم در سنکر بالا هنت نفر از اهل سرگز آمدهای امیر نومان بودند در سنکر دوم امیر نومان با پسرش با دو نوکر و مشهدی آقا يك و رحیمخان منجیلی بودند باقی سوا در پالین سنکر جلو اسب ها را گرفته محافظت خود و اسبها را می نمودند ز طرف احمد خان میر شکار و اشرا رخمه چهار سنکر رو برو بودند دعوا شروع شد بقدر سه ساعت یا کمتر یا زیاد تر بر اندازی شد

رحمت الله خان آدم امیر نومان در سنکر ماقول کردید با پنج راس اسب پمد سه نفر قرق روس از طرف شکر احمد خان بلند شده طرف سنکر امیر نومان آمدند امیر نومان کفر قرق طرف ما میانند جواب داد تنک میندزید الحمد لله قرق روسی رسید دعوا موقوف شد قرق هم تا رسید بسنکر بالا اسلحه را گرفته پرسیدند امیر نومان کیست

تشان دادند آمدند سنکر امیر نومان اسلحه را از او گرفتند و خودش را بقدر بیست قدم از سنکر دور نمودند احمد خان با سه سوار رسید امیر نومان پد گفت با تنک زد امیر نومان اقتاد زمین و مرد احمد خان فوراً بر پشت رفت قرق اقتاد جلو باقی سوار را پیاده جلوا سب کشید طرف سرکز پرند

تزدیک سرکز که رسیدند در بمرزا رسید بنا کرد پد گفتن زبان روسی چیزی پقرها کف اول خودش رحیمخان منجیلی را با مشت زد بعد قرقها آنها را کتک زدند بعد و پیرچاره ها را به میان انداخته آنچه

تزدیک سرکز که رسیدند در بمرزا رسید بنا کرد پد گفتن زبان روسی چیزی پقرها کف اول خودش رحیمخان منجیلی را با مشت زد بعد قرقها آنها را کتک زدند بعد و پیرچاره ها را به میان انداخته آنچه

تزدیک سرکز که رسیدند در بمرزا رسید بنا کرد پد گفتن زبان روسی چیزی پقرها کف اول خودش رحیمخان منجیلی را با مشت زد بعد قرقها آنها را کتک زدند بعد و پیرچاره ها را به میان انداخته آنچه

تزدیک سرکز که رسیدند در بمرزا رسید بنا کرد پد گفتن زبان روسی چیزی پقرها کف اول خودش رحیمخان منجیلی را با مشت زد بعد قرقها آنها را کتک زدند بعد و پیرچاره ها را به میان انداخته آنچه

تزدیک سرکز که رسیدند در بمرزا رسید بنا کرد پد گفتن زبان روسی چیزی پقرها کف اول خودش رحیمخان منجیلی را با مشت زد بعد قرقها آنها را کتک زدند بعد و پیرچاره ها را به میان انداخته آنچه

تزدیک سرکز که رسیدند در بمرزا رسید بنا کرد پد گفتن زبان روسی چیزی پقرها کف اول خودش رحیمخان منجیلی را با مشت زد بعد قرقها آنها را کتک زدند بعد و پیرچاره ها را به میان انداخته آنچه

تزدیک سرکز که رسیدند در بمرزا رسید بنا کرد پد گفتن زبان روسی چیزی پقرها کف اول خودش رحیمخان منجیلی را با مشت زد بعد قرقها آنها را کتک زدند بعد و پیرچاره ها را به میان انداخته آنچه

عکلیت

حکم غیابی شیهه تا می جزا ۲۶ جادی لاولی ۱۳۲۸ شماره ۱۰۷ التاب علی حجه

بتاریخ نهم شهر جادی لالی ۱۳۲۸ جناب آقا شیخ محمد علی منجیر الواعظین شرح عریضه رسمی مطابق فرم ۶۴۳ از حاجی سید حبیب رفکوچی ساکن محله دروازه قزوین خیابان حسین پاشا خانه منجم پاشی کولانی در محکمه تعظ نمود که در موقعی که بند از برای نشر مشروطیت در راه گرفته بودم مشارالیه مرا گرفته بکشتک زده و يك نفر دندان پنده را شکسته مستدی رسیدی و احقاق حق است

محکمه چون مروض سرفقه را بموجب احضار به سه کانه احضار نمود و مشارالیه حضور بهم فرسانیده بان جهت در مقام مطالبه استاد پینه از عارض و صدور حکم غیابی برآمده معزی الیه يك طفر استهشادی ارائه داد که از علماء قراء را زوده و لنگر ود و طهران کرده و در حواشی آن تصدیق نوشته اند که حاجی سید حبیب منجیر لوعظاین سرفقه را کتک زده و دیگر افکک دبه نامه پهر یکی از علمای اشکور که جناب آقای اقا سید محمد تقی در محنت و اعتبار ان تصدیق نموده که مجموع دیات جنایات آورده یکصد و پانزده مثال طلا است بمعکمه ارائه داده

تزدیک سرکز که رسیدند در بمرزا رسید بنا کرد پد گفتن زبان روسی چیزی پقرها کف اول خودش رحیمخان منجیلی را با مشت زد بعد قرقها آنها را کتک زدند بعد و پیرچاره ها را به میان انداخته آنچه

تزدیک سرکز که رسیدند در بمرزا رسید بنا کرد پد گفتن زبان روسی چیزی پقرها کف اول خودش رحیمخان منجیلی را با مشت زد بعد قرقها آنها را کتک زدند بعد و پیرچاره ها را به میان انداخته آنچه

تزدیک سرکز که رسیدند در بمرزا رسید بنا کرد پد گفتن زبان روسی چیزی پقرها کف اول خودش رحیمخان منجیلی را با مشت زد بعد قرقها آنها را کتک زدند بعد و پیرچاره ها را به میان انداخته آنچه

را که داشتند از اسامی و خورجین پول و کیف و چاقو اسلحه را گرفتند و در آخر خودشان واسه پهلوانان راهم بردند منزل احمد خان شب در آنجا ماندند صبح داراب میرزا (انهارا خواست اسپهها را داد و گفت سه روز چکر باشی من میروم قزوین تکبف شمارا معلوم میانم درپ میرزا آمد قزوین سی نفر فزاق در جر کر بگذشت و پنج شب در جر کر ماندند فنک و قطار آنها را داده بودند به کسان احمد خان میر شکار بعد از پنج روز قراقها آنها را خواسته گفتند شما را در قزوین خواسته ند چهار ساعت پتروپ مانه از جر کر آنها را حرکت دادند چهار ساعت از شب گذشته منزل مسیح خان کاکاوند رسیدند شب در آنجا ماندند صبح سر انصاف از آنجا حرکت کردند قزوین بین راه سه همگام اسب تا حقتند یک ورس یا دو ورس هر کدام از سوار که عقب میماندند با شلاق می زدند تا دم دروازه قزوین رسیدند از پشت شهر بردند آن پتو نواری قونول آمد عکاس خواست دو دفعه عکس آنها را انداخت پیاده و سواره انجا بودند تا حکومت و کار گذار رفته پتو نوول خانه غروب آنها را مرخص کردند بعضی اسباب سوار را دادند باقی اسباب فنک و پول و غیره را از روی حقیقت ثبت کرده پکار گذار دادند فعلا خودشان در قزوین سرگردان ولا تکلیف

تلاکرافات داخله

عراق

شهر در کمال انتظام حکومت مشغول جمع آوری و فرستادن اسلحه با طرف سربند برای جاو گیری اشرا و الوار میباشد کنکار ولایت را امنیت حاصل است حاجی ساری اصلا ن حکمران با کمال دقت مشغول نظام ولایت و طرق و شوارع و آسودگی رعیت هستند اردبیل قوام لاله حاکم طاش و اجارود دیروز وارد اردبیل سوی آقا بیگ قوجه بیگ لو و چند نفر دیگر که ورود خود فرستاده و جریء محبوسین بطهران رفته ابوانتخ بیگ الارلو و عزت پسر محمد قلی بیگ و خان بابا پسر سلیمان بیگ و ازدر دلا غرده و بفرده نفر از اشرا الارلو و اجارود را مفلو بشهر آورده تمام اهالی محل حکومت قوم لاله

تاریخ شورش فرانسه نایف و بلبومه ترجمه میرزا تقی خان مینش از شماره قبل و در آن همه بد بختیها را که مردم فرانسه از دست پادشاهان روی داده ذکر کرد حق لاطینی که اسمشان را با احترام می بردند و دادگر و رعیت پرورشان می شمردند مخصوصاً لوی ۱۴ را در رساله ش سخت نکوهش و سر زشت کرده بود که چرا در جنت های پیدایه چندین مایون مخلوق را بکشتن داد نرجه سطر چند از عباراتش این است « قتل نفس های بیهانی و سوزاندن خانه که قانون برای مجازات معین کند نسبت پسوزاندن یک حکومت و جنک های منظم چه نسبت دارد لوی چهاردهم گفت من جنک را بسیار دوست میداشتم نه نو بیچاره جنک را دوست نمیداشتم موزیک شارل دو ازمده مد کاله بود و این مسئله عذر جنک های ویرا می خواهد ولی نو بیخبری بودی که خود را از خطر کناره کشیدی و رو پکاره که فواض

ظههار رضایت از کمایت و بی طمی متار الهه نما بند چهار نفر از نمایان را که به نسبت کار شکی گرفتار کرده بودند دیروز پنا موریت منهدی مختار مجاهد بخت قرا چه داغ روانه نمودند که چندی محترماند انجا باشند ارومیه مستر پیل قونول تکلیس دیروز وارد ارومیه شده و این چند روز بخت و ن خواهد رفت دیروز در دار الحاکمه با حضور رئیس انجمن و قونول روس و کار گذار مجلس محاکمه حرکت صاحب منصب و سالد نهی روسی منهد بوده نتیجه را بعد عرضه میدارد راپورت عراق مصمص الممان سر کرده فوج کرز همه روزی سربز های کرانزی و پشتر جمع اوری مینماید و برای جاو گیری از شرار پسریندروا نه میکند

خوی

دیروز بگم رایس را در خارج شهر گفته اند حکومت قائل را از معاون قلمبه میخواست معاون قلمبه بگم را که رکنی رعیت ایران را که خادم عمر هاست دست بر نموده و در استطاق قرار کرده و در ایاس او انار خون هم هست نتیجه را بعد عرضه میدارد از کرمان بطهران

نمره ۱۵۷ پشاریخ ۲۶ جوزا

نوسه حضرت مستطاب آقای حاج میرزا بهی دام اقباله جرائد محترم طهران بهمت و فقرت و فروع برسی آقای فوران خان که او این نمره اعیان و اشرف کرمان هستند پنج قلمه ملک و قلمه در فرسنگان کرمان که چهار قلمه شش دانگی و یک قلمه سه دانگی است برای تالیس مدرسه مبارکه نوریه که دارای ده نفر شاگرد مجانی شپانه روزی خواهد بود و وقف نموده و میبایع هزار و پانصد تومان از محسوب املاک مزبور به تقدأ برای دائر کردن مدرسه به اداره معارف کرمان حواله میباشد املاک خود فرمودند در آینه نیز بر عده شاگرد افزوده خواهد شد امیداست عموم اعیان و اشرف عالم محروسه باین غیرت مند محترم تالیس نموده اطصال بیچاره بی صاحب وطن عزیز را از قید جهالت برهاند غلامعلی قاجار

(استقلال)

ما از این معارف برست پاندهمت بنام عالم معارف تشکر کرده همان طور که آقای میرزا غلامعلیخان رئیس معارف میگردی - و برای خاطر یک فاحشه در مین صحرا سبناز نامی قتل عام پر یا میدردی نه نو جنک را دوست نمیداشتی و خلاف خود را دوست میداشت و جز خویش کسی را نمیدیدی و چگیری نمی شمردی و چنین می پنداری که همه عالم و جان رعایا و اهل و عیال ایشان از نو است اگر من بجای ماری وقتبمان بودم عوض اینکه از نادانی مام گرفته و کاغذ مضحك و پاپ نویسم تا سرفرای دیگر پفرستد مل ما کسیم عضو سنا یا پینه دوز (معین) میگردم و من همیشه تمجیم که چرا مردم کمتر باو تالیس و پروری نموده اند آیا این همه کار های هنجار بویز پانده می گویند که پادشاهی معتدله می سلطنت زشت و تا پسندی است ؟ این کلامه سیر دن که در آفتوس گفته هر وقت مرا بخاطر میاید سخت متاثر می نماید میگویند آیا سزار میبخواهد مثل

کرمان امید و او فند که مقومین ایرانی لزوم اطاف معارف را احساس نمایند ما نیز امیدواریم اصفهان از قرار راپورت تلگرافی چند روز است بعضی از سوار های قشقایی به قلمه آمده اند و روزها را در بازار قلمه رفته و خرید مینمایند و گاه ایلات باجناب سوات الدوله در بیلابی دو سه منزلی قلمه مقومب میباشند پست شیراز هم معمولاً دوروز است تا خبر نموده سادات زوار میواسطه بی اعتدالی که از طرف سهام الماطه در خصوص گرفتن آب آفسا و خشک شدن زراعت شان هنوز منتظر میباشند و حکومت اصفهان برای جلو گیری از تعدیات سهام الماطه یک عده سوز به سادات داده است و مأمور هم فرستاده اند

افزلی

سید آقای شرف المله که وکیل افجمن بلدی است عیال خودش را کتک زده که مشرف بیعت است از قرار مذکور می گویند ضعیفه مردنی است

تلگرافات خارج

از لندن ۱۰ ژوئن از قرار خیر روئر از هنگ ننگ انحصار نریاک در هتتم ژوئن در کانتون رسماً اعلان شده و موافق این انحصار نجرار چینی با شمی که در هر صندوق نریاک خارجه سیصد دو ار اضافه پیرزنده

تجار انلیس در خصوص انحصار نریاک همچو فهمیده اند که نلعه بررکی به نجرارت هتند وارد خواهد نمود و نتیجه ان در تقاطعی که انحصار دایر است ظاهر خواهد شد جنرل قونول کانتون هم در پرستهای انگلیسیان همراهی نموده است روز نامه دلی تلگراف اظهار مینماید سر شال ها ردنگ بمقام قیابیت سلطنت هندوستان پس از چند روز رسماً اعلان خواهد شد

روز نامه دلی کرا تیکل میگویند شهرت غلط است که بجای ارد لیتو میگویند ویرها کوت پر قرار خواهد شد

روز نامه مرتنگ میگوید که قیابیت سلطنت هندوستان مظنون و عمیل در بین سر شال هاردنگ و اول اف کرده است

ویروز نویس در ستر میخواست و بهوا طبران نماید بد بختانه یزمن افزاده یک زن گفته شد و چند نفر مجروح گردید نوجهای مخصوص رؤسا و حضور اوج تحریم اشته از میرزا جاوگیری نمود عملجات نجرارت پشم یا کشا پر که قریب بیست هزار نفر خیال شورش دارند کنفرانس رؤسا و اجزاء اداره پشم هدنستلا بسته شد

والا حضرت یوسف عز یز الدین وایمهد عثمانی با معیت وزیر خارجه وارد بلکراد شده وایمهد و اهالی در نهایت اجلال ایشان را پذیرائی نمودند جراید سر پستان با حرارت فوق العاده وایمهد معتم را بربیک ورود و خوش آمد گفته و اظهار دوستی و اتحاد با دوات عثمانی مینمایند

هیجان فوق العاده در جنوب افریقا و تکلیف نسبت بمخافتی که میبویو طابا سربازیک در انتخابات مشرق پورنوریا نموده پیدا شده است

از قرار معلوم سرشارل هاردنگ به قب لردی ملقب خواهد شد لرد فوولی و سرآر نور بیگ بخت منشی مخصوص اعلیحضرت ژرژ منقوب گردیدند

علام امیدواری از انقصاد کنفرانس پیدا و در همه نقاط مذاکرات ممانعت در میان است

میبوی اسکوت مکتوب شخصی میبوی پانور نوشته و اظهار داشته که آیا ایشان با تقاعد کنفرانس ما بلند یانه کابینه وزرا هم این کاغذ را تصویب نموده است

میبوی پانور که فعلا در کردت است در روز دو شنبه مراجعت خواهد نمود و محتمل است که در همان وقت بلر د لندن مشغول مذاکرات و مکاتبات بشود

ابن اشخاص برای نماینده کی فرق معین و قلم داد شده اند میبوی اسکوت و میبوی ولزید جرج و میبوی کری میبوی کرد میبوی صرلی میبوی لوین میبوی پانور و میبوی لندون و سلبرن دوست شامبرلن لرد کارزوند سته امپرال ها و ملیون هنوز اعتقادی باین تر نیبسات ندارند و امیرالها هنوز از این نتیجه مایوسند و انقصاد کنفرانس را ظاهرأ عذری برای ناخبر اعاده مخالفت میدانند

رولو سیون در چین برلن ۴ به نجرار نخانه های پران که

و تا صواب رومیده که عدلستان جمهوری بود کی از دیگران در هنگام جنک و ما ندهند ان چابکی بحیرالقول و سرعت عمل که در جنک بحری دوسوس و اشکر ککی کارناز و مخصوصاً در جنک سیم ان پخرج دادند چه بود که نظیر ان جز اشکر ارائی پاریس روز چهاردهم ژوئیه ۱۷۸۹ دیوکر در تاریخ دیده نشده باز میگویند این وضع حکومت شایسته نیست مگر چند کوهه ولایت را اولاً شهرهای کوچک از قبیل این و ژنو تیباً جزایر مانند انگلستان و لایات کوهستانی مثل سویس یا ناه که از ملی جنک جو و فایح دور اند این ولایات که کاهی ازاد و دققی جغرافیایشان قداشته و بواسطه خصو صیات مکانی سزا وار بیخورداری از نعمت آزادی نمیردند کشته از ان برهه معلوم است که بن دلایل مناقض یک دیگرند و از اثبات یکی نمی آن دیگری لازم آید آید مثلا اگر انگلستان میان دریاست رفو در خشکی است اگر ولایت ان کوچک بوده امر و یکا مملکت وسیع

باین طرف معامله هستند خبر وحشت انیزی رسیده است که در چین عنقریب رولو سیون بزرگ خواهد شد و مقصود اصلی این اغتشاش بر هم زدن سلسله سلطان حایه و منهد م کردن ارو با ثبات است وزارت خارجه پرلن از وزیر مختار خود در پکن سخت مطالب را خواستار شده است هنوز جوابی از وزیر مختار نرسیده کمیته رولو سیون چین اعلانی کرده است که با یارو با ثبات کاری نخواهیم داشت اگر خودشان را دخالت در امور ندهند بر صورتیکه میبخواهند خلائی برضد مقاصد ما بکنند فوراً همه را خواهیم کشت

پکن ۴ مه - شهر نا بی خیلی شایع شده است که هیج بیست طوری منشوس است که قونول های خارجه امیاع خودشان را از شهر خارج میکنند این اغتشاش از طرف رود خانه یا نقته پایان شروع شده است

مسئله کریت از پاریس پروکویه اسلو تلگراف میکنند وزیر امور خارجه عثمانی که عجا ناً در پاریس است بیکی از خبر کارن روزنامه گفته است که کویا دول اروپ به مسئله کریت اهمیت نمیدهند

دوات عثمانی ابتدا فخواهد گذاشت خللی به نفوذ اورد جزیره وارد یباید این مسئله مسئله مانی است ریطی بدت ان ندارد در صورتیکه که دوات بخواند تخفیفی در نفوذ خود بدهد ملت عثمانی نخواهد گذاشت و هر کار اجزیه نمی دهد

از کانه بی نخت جزیره کریت تلگراف میکنند که اهالی کریت جدأ اما ده بچنگ شده اند می خواهند پرگرام دول که کریت را در تحت نظارت دوات عثمانی نشان میدهد رد نمایند

آن - دوات بوغان ردیف خبر کرده است این مسئله را اهمیت میدهند زیرا عثمانیها هم در سرحد بوغان مشغول جمع اوری قشون هستند و احتمال جنک هم مابین دولتین عثمانی و بوغان میرود

(مکتوبات شهری)

خدمت ۰۰۰۰ مدیر محترم استقلال ایران دم بقائه معروض میدارد مشروحه مفصلی در چندین نمره جریده محترم درج شده بر اینکه جناب میبوی مویتر مدیر پست قسمت باجزای مشروحه خواه طرفید سلوکی بسته بمباره اخری بواسطه جاری شدن قوانین اداره پست آنها را سرکرم باین کوهه کر به رقصانی ها نموده باین مختصر مشروحه خواطر محترم آگاه میدارد که بنام حریت مطبوعات درج و خاطر اولیای امور را آگاه نماید

است اگر سویس کوهستانی است هلاقت دشت است چون مسلم پداریم که امریکا برای مدافعه قیاسمند بقاسله و سد دریا است ثابت میشود که کوچی مملکت متانی و مخالف با دوام جمهوری است زیرا که هر چه مملکت کوچکتر باشد زودتر میشود ان را تصرف کرد مملکتی چون فرانسه اگر جمهوری بشود نه محتاج بسنگری مثل دریاست نه در بندی مانند کوه اب آزادی همیشه در انجا دائم و باقی میماند و کسی را تعرض به آن دست نمی دهد میگویند در این صورت ولایات و جمهوری های کوچک تجزیه میشود من نمیتوانم امکان این تجزیه را تسلیم کنم چرا از هم جدا میشویم چرا اهالی ولایات فرانسه خود را باسم فلا مند و باری و برائتی قلمیده و اسم قشنگ فرانسوی را که در همه عالم مشهور شده

اولاً مسئله مندرجه نامه محترم را نمیتوان
تصرف یا بکسب نمود بواسطه اینکه جناب
مسیو مویتر یک نفر است در اداره پست و
یک نفر نسبت به موم عمل است هر قدر قوی
بچه در ظلم باشد استعداد او کاری نخواهد
بود ولی آن بجزاره آت کار چند
فتری شده که آنها این شخص را وادار
از جهت فتح شخصی یا بکوفه مدار میکردند
از ماست که بر ماست و الا منصفانه مویتر از
کجا یا جنابان پیش الملک و پیش الملک یا اعتضاد
الوزاره و مشیر الوزاره و پیشر هایون . . .
یا سایر اجزای محترم اداره جنبه هیزم نرق وخته
و از کجا با آنها عداوت سابقه پیدا کرده
این نسبت ها با بواسطه ممدودی یارنی اداره
پست بواسطه جاه طلبی و خیال واهی که مباد
رخنه دادن بر رؤسای امین قطع متساقع و
اضافه موابج بی در پی شود در واقع
کما بهر طمع اولاد خود را کور میخواهد
دست بی حقیق بر کمر بی شرفی زده نیشه
پریشه هستی ثروت ملک و ملت زده از جهت
دستمالی قبضه ایش میزند در هر حال
مسیو مویتر یا غیر او با حال اینگونه اشخاص
هر که باشد حال مویتر هم باو سربایت خواهد
نمود تا قانون و مجازات در کار نیاید همان
ایش و همان کسانه خواهد بود و منتظر
پیش از اینها در هتک شرف و غصب حقوق
باید باشیم محقق است همان قسم که مطالب
ذخنی و این باد استبداد را از دماغ مویتر
خارج یو قیامتند که این گونه حرکت
خارج است با قوانین عصر و این قدمات
خلاف است نسبت به شخص متدین محترم
همانکه اشخاصیکه بجای انسب شوند هر
چند با آنها مسامحه اشکالات طی خواهد
خواهد داشت فهمانیدن مطالب فوق اگر چه
این مسامحه حسی مویتر و یارنی های او شده
و این نکته را دانسته اند که اجزای پست
بی محدود و حقوق خود برده مدت زمانی
است که از خواب غفلت بیدار شده
قنایت اسکت و تحمل آنها اشیاء مظلومیت
و انتظار اقدامات وکلای ملت و وزرای
غیور با همت اند و الا همان قسم که در
فقره مسیو نوزجد کرده و تقلبات او را
بسمع اولیاء امور رسانیده و بلاواسطه کوشید
انها نمود که کرور ها ثروت ایران پای مال هوا و
هوس اجانب میشود و باندایر عملی جد کرده
و پشه کینه او را کنند بازمی تواند که یار
نمایند و وکلای وزرا یا این حرفی که در چند
ماه قبل بیست روز متوالی در حیات اقبسار
پست در دفتر یافت و محاسبات و قبوضات
اما فات بلا صاحب که از زمان مرحوم امین لدوله
مانده بود و استاد آنها را آتش زدند از همه
اما فات را چه کردند و بیکدام مصرف
رسانیدند و دیگر اینکه فریاد خواهد زد که چه
باعث شده عمل کرد نسبت به سابق ده مسامحه
شده و وزرای سابق در سالی چهل هزار یا پنجاه
هزار تومان بدو تاهم میدادند و لاقلا ده هزار
تومان هم مابندی خود که بیانی یا وزیر بود
جراموز دستم از دولت می گیرند در هر
صورت تمام جنب و میل چیزی عاید دولت نمیشود
اینکه بار بیجا چون اسکندر و قیامین مویتر
وروسای سی ساله را بواسطه فتح شخصی
سدر کرده اند و متصرف مشاعله با فارجوع و افهرا
چون کرسی نشینان بار که . . . نشانیده
پیشانی نفس خودشان را اقدامیرا که طالب
اند می کنند از جان فشانها که این رؤسای
چهل ساله اداره که در راه ملت کشیده و با انتظار
فتیحه که قوانین حدود و حقوق موضوعه است
باقی میباشد لازم آمد که بحیاط حسابت و اسامی

افها ذکر شود که قشربین محترم بداند که کوفه
اشخاصی دست خوش خیالات فسیده
ممدودی یارنی مویتر شده اند مایل جناب
میشرال ملک ریاست ایات پست و تلگراف کابل و
جناب پیشر الملک و پیش ایات اذربایجان
که از بدو تمین اداره پست خدمات و زحمات
انها کوشید اهل شده شرح متولی هتاد
من کاغذ شود و قلم مایاری توصیف ندارد زیرا
جان فشافی انها قسمی است که فردا در اهالی
پستار و با علم نراند از خدمات و زحمات
انها در رو سیونان خدمات متوقطه قولی به موم هم
بدنیم که جناب پیشر هایون بان قدمات
و خدمات استریاد ایسزا و اواست بان خدمات
بزرگ بدون جهت عزل و کار کج می بود جوع شود
وقس علی هذا جناب مشیر الوزاره در شاهرود
که تمام هستی خود را مصارف مدرسه شرافت
بان پروگرام صحیح و کارخانه نساجی بان
غسار جا نیکه از جهت تربیت انجمن ولایتی
و انجمن شرافت و طبع نظام نامه و مخارج
تلگراف و جشن های تقو حات اجزار بان
نهادیدات مشیر السلطنه امروز دست بروی
دست گذاشته و از فیض خدما نش در اداره
در این موقع اجزا را مجرور نموده و هانا
جناب اعتضاد الوزاره و جناب مشیر السلطان
که بعد از خون دل خوردن و چهل سال
خدمت کردن و چندین دوا بر بیستی دایر
کردن . . . بواسطه بهانه های غیر
موجه مویتر و یارنی ها دچار مشقت غیر
قابل شدن این نامه را هم باید دانست که
جناب مسیو مویتر مربوط بقولین پست
نیست و ابتدا اطلاعی از اداره کردن امور
نماد فقط قوه مجریه خیالات فاسده ممدودی
میباشند در هر صورت اجزای پست شیشه
سیرشان پر سنگ خورده و طاق ایشان طاق
شده در کمال فروشی سخن را روی حضرت
وزارت پست و تلگراف جدید نموده عرض
می نمایند که امروز محوم اجزای پست و
تلگراف با انتظار اقدامات وجود محترم هر شب
را بصیغ رسانیده و هر صبح تا پیشام کوش
فرا گرفته و چشم ها را با انتظار قوانین باز
کرده از جهت حدود و حقوق خود انتظار جد
را دارند و عرض می نمایند بعد از وزارت
امین الدوله مرحوم چندین وزیر جهت پست
تمین و هر یک از وزرا عده کسبیری با اداره
داخل نموده خود معزول و یاد کار انها باقی
مانده خویش که عطف نظری فرموده قانونی
معدود از جهت اجزا تمین فرمایند
امضای فاه

(مدیر محترم استقلال ایران)

و قورخانه اردوی ملی تمام شده و بجل سختی
یوندند از این طرف هم روزها از طرف محمد علی میرزا
استعداد میر سید همه قسم باین حال و چندان
فدائی قبول هم راهی محمد علی را نکرده
و تسلیم اردوی ملی شد و شاهد دیگر دستخط
هایست که از طرف حضرت سید ابراهیم خاندانی
شده و سواد دولتی از آن دستخطهاست
حاضر است و در ذیل فرستادم که کج غرض جدای
الان فی ۱۳۲۷ امیر الامراء العظام میرزا محمد
خان مسعود نظام سرتیپ زید محمد العالی
جناب بان مستطابان شریفان آقا آقا
سید حسن محمد و آقا آقا سید جعفر محمد
دامت افاضت نعمت العالی که بوظیفه شرع
پروری و دینداری و حقا کتاری خود ورود
ظفر نمود اردوی ملی را بکراج تبریک نموده
و نظهار موقت و مساعدت نموده بودند در
ضمن شرحی از همت و بند و عزم ارجمند شما نظهار نموده
بودند که بتکلیف مسلمانان و غیرت ملیت
خود میخواستند قوای را که برای خصامه
ملت انجول شما نموده برای مساعدت و
مدد صرف نمایند و در اجر جهادت و اقتضات
ملی تاریخی مشارکت کنید لازم دانستیم این
حسن فیت شمارا تبریک و اظهار امتنان
تمامی که از این پر غیرت مسلمانان شما حال که
با این نیت پاک هر قدر بتوانید مهمات
حریمی و قوارا بیشتر و بیشتر حاضر و باردوی
ملی محل نمائید موجبات امتنان ملایه کاملتر
نرشد خاطر شخصی من زیاد تر خواهد کردید
و امید وارم که عما قریب در ازاء این
خدمت نسال و ترقیبات کامله محبوب ملت
و اقارب کردید خیلی سریع و زود
منتظر خبر ورود و اقدامات مجدانه شما هستیم
که اردوی ملی چندان محل توقف در
کراج نخواهد داشت زیاده ضرور سفارش
نیست
محل مهر (سپهبدار اعظم)
مجدداً امروز تا قریب خود را باید
باردوی ملی ملحق نموده اعتماد ملت را در
حق خود کامل نمائید
محل مهر (سپهبدار اعظم)
دستخط دیگر
از بادامک ۲۳ جادی اثنی ۱۳۲۷
امیر الامراء العظام مسعود نظام وسعید
اشکر زید محمد امالی
سیورسات ارسالی شما بتوسط جناب
آقا غلامرضا تحویل و موجب مزید امتنان
شد از قرائب که جناب من السلطان صحبت
کرده ننگ و فتنک که فرستادید ایشان
تحویل شده و قبض رسید فرستاده شد در
وقوع از زحمت شما و امیر الامراء سعید شکر
خیلی نمودم هستم البته لازمه مسامحتی و شرط
موافقت و ملیت همین است در استحصال
مقصود از هر که هر چه بر آید مضایقه نکنند
و البته از مساعدت و همراهی ممدودی می
نوان چنین مقاصد عالیه را از پیش برد
انشاء الله نائل به نتایج عالیه خواهیم بود و
و لافقی این زحمت و خدمات زایدتر آنچه
نصورت نماید بعمل خواهد آمد هر قدر بتوانید
در رساندن نان سنی نمائید بسیار بیجا و بموقع
است و از همه چیز واجب تر است انشاء الله
امشیرا باز هر چه توان ممکن است باردو بر آید
جناب عمید السلطان هم پرای مزید پیشرف
کار با فجا آمدن انشاء الله با بیور سات کافی خواهید
سراجمت داد زیاده چه بتوسیم
محل مهر سپهبدار اعظم
این سواد دود دستخط بود عجا انما
بجهت قارئین کرام عرض شد که از جان و مال
مضایقه نکرده از تمام هستی خودم و فامیلم گذشته

بحمد الله بطهر ان آمده و بمقصود خود نائل
میکند بل امثال باز میفرماید بل من مزید
کسبیم با وجود این خدمات تمیذاتم اشخاصیکه
نور محمد علی میرزا بودند دور حضرت سپهبدار
روحی قدام جمع شده خوانند اشخاصیکه
خدمت با وطن عزیز نموده و در راه این آب
و خاک جان و مال داده از طرف سربدار اعظم
روحی فده اسباب قوا هم آورده که این
اشخاصیکه خدمت با وطن عزیز کرده اند بی
مرحمتی شود که اسباب دلسردی خدمت گذاران
و مشروطه خواهان بشود ها بطور که قرا هم
اوردند و هر یک از فدائیان وطن را که گرفتار
بیک پایه و دچار مشکلاتی نموده منجمه این
فدائی را گرفتار نصر الملک کردند که بپنده و فامیل
و تمام سربازان مشروطه خوا را اخراج کرده
و همه محل قوج را که دو بایک شهروان و سوا جیلاغ
است بی باکرده و هر چه پول میدهند و فریاد

استقلال
مدير محترم
مدير مسؤول حسين كحل
طهران مطبوعه ايران نو

اعلان
از طرف اداره
دفعه اشراك این روزنامه بویا همه روزه - سوائی ایام تعطیل عمومی باز خواهد بود
آقایانی که مایل بشترک هستند باید ادرس کامل خود را بداره فرستاده و چه
اشترک را قبلاً نیز داند
وکلای ولایت قیامت از مقدار روزنامه را که می خواهند بایزودی بداره
ارساندا رند
برای هیچ کس روزنامه بجای فرستاده نخواهد شد
هر ملک از آقایان مشرکین که از رسیدن روزنامه شکایت داشته باشند
باید فوراً بداره اطلاع دهند
اطحار
مدیر استقلال ایران همه روزه - سوائی ایام تعطیل عمومی
از سه تا چهار بعد از ظهر در محل اداره برای پذیرفتن اشخاصی که راجع با امور
اداری با ایشان کاری دارند حاضر خواهد بود
در غیر این ساعت از هیچ کس پذیرائی نخواهد شد
دفعه اشترک
آیدانها بیس برسان
چربیده هتگی که این اداره بزبان فرانسه نشر میدهد همه روزه باز خواهد بود
طالبین ادرس کامل خود را ببلوچه اشترک بداره استقلال ایران فرستند
مواد اساسی نظامنامه شرکت استقلال ایران
۱ - سرمایه این شرکت معادل است با ده هزار تومان که بر دو هزار سهم
تقسیم بقصد گردید
۲ - در صورت لزوم باتصویر صاحبان اراء ممکن است بر سرمایه اصلی
افزوده شود
۳ - از این سرمایه روزنامه استقلال اداره این مطبوعه بحدود سی سهم استقلال
تأمین خواهد شد
۴ - هر کس دارای بیست و پنج ورقه سهم شد حق یک ای دارد و هر کس
دارای بیجا سهم دوری در پس علهدا
۵ - صاحبان اراء آخر هر شش ماه بر حسب دعوت رسمی در اداره مرکزی
حاضر و در صلاح اداره رای خواهند داد
۶ - تقسیم اراء بنصم صورت جمع و خرج شش ماه درج در روزنامه
و از نظر کابله شرکاء خواهد گذشت
۷ - دوعشر از منافع عاید در صندوق اداره ذخیره و بقیه بر نسبت سهام
بین شرکاء تقسیم خواهد شد
۸ - دوعشر ذخیره در موقع لزوم بمصارف اضطراری فوق لمان خواهد رسید
۹ - هرگاه ذخیره صندوق ارنک سرمایه اصلی تجاوز نمود زیادی از نیک
در رأس سال بر حسب قرعه صاحبان سهم ملحق خواهد یافت
۱۰ - صاحبان سهم میتوانند سهم خود را فروشنند مشروط بر اینکه
تربیب انتقال با اطلاع دفتر شرک باشد
۱۱ - گانه که دارای دورای هستند همه وقت میتوانند در دفتر ادراری بیجا نمایند
اطحار
در بدو تأسیس این اداره شرکی سرمایه و مواد فوق تأسیس رسمی که برای
روزنامه اختیار شده بود مشقوری بود
ولی نظر بر عرات چند نکته اسم مشقوری تغییر داده شده استقلال ایران گردید
اینک بوسیله این اخطار خاطر گسانی را که ایسهم مارا قبلاً خریداری
کرده اند مسیوق بمنعاً تمیم کاسته استقلال ایران همان روزنامه است که بایستی باسم
مشقوری خوانده شود و نشد